



«عرفان» در اندیشه امام در تحقق حکومت دینی، بروز و ظهور پیدا می‌کند

حجت الاسلام زنگنه گفت: عرفان جزء مبانی و پایه‌های اندیشه امام است، و حدود عرفان را هم امام به گونه‌ای تبیین کردند که با الزامات و اقتضائات حکومت داری و تحقق انقلاب، سازگار و هماهنگ باشد.

حجت الاسلام زنگنه گفت: عرفان جزء مبانی و پایه‌های اندیشه امام است، و حدود عرفان را هم امام به گونه‌ای تبیین کردند که با الزامات و اقتضائات حکومت داری و تحقق انقلاب، سازگار و هماهنگ باشد.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه- نگار احدپور اقبال: بهمن ماه برای همه ما یادآور روزهای پر تلاطم پیروزی انقلاب اسلامی و ایام الله دهه فجر است. انقلابی که با رهبری حضرت امام خمینی (ره)، مرجع عالیقدر شیعه و روحانی و مبارز برجسته تاریخ و رهبر و بنیان گذار کبیر انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. اما یکی از ابعاد و ویژگی‌های برجسته شخصیتی حضرت امام (ره) که شاید از نظر دور مانده و آنطور که باید و شاید به آن پرداخته نشده بعد عرفانی وجود ایشان است و تأثیر آن در اندیشه‌های سیاسی امام است. عرفانی که در شکل‌گیری اندیشه‌های انقلاب ایشان قطعاً مؤثر، بوده است.

«عرفان» در اندیشه امام، در تحقق حکومت دینی بروز و ظهور پیدا می‌کند؛ عرفان، پایه اندیشه انقلابی امام

به همین مناسبت در گفتگویی به بررسی نقش عرفان در اندیشه‌های سیاسی و الهی امام خمینی پرداختیم که بخش نخست آن در ادامه تقدیم نگاه تان می‌شود:

حجت الاسلام احمد زنگنه، پژوهشگر فرهنگستان علوم اسلامی در گفتگو با خبرگزاری مهر، عنوان کرد: عرفان یکی از مبانی و پایه‌های انقلاب اسلامی و تحول حکومت دینی است، عرفان کلید اندیشه حضرت امام (ره) و باتوجه به خوانش و تقریر امام (ره) از جایگاه و نقش عرفان و آثار و نمود عرفان اسلامی، بدون عرفان تحقق انقلاب اسلامی و حکومتی بر پایه دین اصلاً ممکن نیست، چرا که در تقسیم‌بندی حوزه‌های مکتبی و معارفی، حوزه عرفان، حوزه حکمت، حوزه فقه را شاهد خواهیم بود، در واقع حوزه‌ای وجود دارد که با روح‌گرایش‌ها (فطرت قلب‌های انسان) مواجه است، معارف آن تحت عنوان عرفان و اخلاق تعریف می‌شود، حوزه‌ای داریم که مربوط به بعد ذهنی و عقلی و حوزه بینشی انسان است که حوزه علمی و معارفی متناسب با آن در علم حکمت، فلسفه و کلام اعتقادات تعریف می‌شود و نیز حوزه‌ای مربوط به رفتارهای عینی و ظاهری انسان وجود دارد که می‌توان آن را فقه و احکام نامید که بایدها و نبایدهای او را تعیین می‌کند، این ۳ حوزه هم در مقیاس فردی قابل تحلیل و پیگیری و لازم هست و هم در حوزه اجتماعی و حکومتی، به عبارتی اگر انسان بخواهد در مسیر خدای متعال تربیت شود حتماً باید با در حوزه اخلاق و عرفان، هم در حوزه حکمت و کلام و اعتقادات و هم در حوزه بایدها و نبایدها و فقه و احکام برنامه داشته باشد و هم در مقیاس اجتماع.

ولایت‌پذیری از مصادیق عرفان اجتماعی

وی تصریح کرد: فرض کنید بخواهید جامعه را در مسیر خدا و قرب خدای متعال حرکت دهید، جامعه به مثابه یک فرد هم روح دارد و هم ذهن و اندیشه و هم یک سری رفتارهای عینی و اجتماعی، این مهم در اندیشه حضرت امام نیز متبلور است که ما لزوماً باید هم یک عرفان حکومتی داشته باشیم و یک حکمت حکومتی و نیز فقه و احکام حکومتی، لذا اینکه عرض شد ضرورتاً تحقق حکومت دینی در نگاه امام و انقلاب اسلامی، بدون پشتوانه عرفان در مقیاس حکومت ممکن نیست، به این معنی است که عرفان در چنین جامعه‌ای لزوماً باید دارای نقش و جایگاه باشد، اگر ما در حوزه عرفان و سیر و سلوک روحی در مسیر در مقیاس اجتماعی کار نکردیم و معارفی را تولید نکردیم، وظیفه داریم آنها را تأمین کنیم و وقتی ما مبانی عرفانی امام (ره) را می‌بینیم هرچند که به پشتوانه جریان عرفان عملی و نظری که در سلف گذشته ما وجود دارد و امام هم در واقع در همین مکتب درس خوانده و در حوزه عرفان سیر کردند، اما وقتی که به مبانی عرفانی امام نگاه می‌کنیم امام اساساً عرفان را در مقیاس حکومتی درک می‌کنند، و هم آن را تبیین و عرضه می‌کنند.

این پژوهشگر حوزه عرفان بیان کرد: اگر در کتاب مصباح الهدایه که یکی از مهم‌ترین آثار عرفانی امام است، خوب دقت کنیم، کلید واژه اصلی در سیر و سلوک عرفانی در اندیشه امام (ره) مسئله ولایت و سرسپردگی به خلیفه الله است، یعنی یک عارف بدون تولی به امام، تولی به خلیفه الهی، بدون حضور در مقام ولایت و خلافت نمی‌تواند مناسک خود را به سمت قرب خدای متعال از حجیت و مقبولیت کامل و کافی برخوردار نماید، اگر ما در عرفان‌های موجود می‌بینیم که شخص مسیر ریاضت و سیر و سلوک را برای رسیدن به قرب خداوند متعال ترسیم می‌کند.

زنگنه افزود: حضرت امام خمینی (ره) می فرمایند، این سیر و سلوک که ما آن را شریعت می نامیم، بدون یک مسیر طریقتی ممکن نیست، این دوگانه شریعت و طریقت در مباحث عرفانی بسیار مورد توجه است، ضرورت طریقت در کنار شریعت آن است که شخص سالک به سمت خدای متعال، باید یک سلوک معنوی و روحی در کنار سلوک جسمی و تکلیفی داشته باشد، این طریقت که زمینه شریعت است بدون هدایت و سرپرستی و ولایت امام و خلیفه الهی ممکن نیست و عارف کسی است که با امام سلوک می کند، عارف کسی نیست که به داشته های خود و سیر و سلوکی که خود مقامات آن را طی کرده، تکیه کند، حضرت امام معتقد بودند این نوع سلوک که بریده از امام باشد اتفاقاً نه تنها شما را مقرب به خدا نمی کند، بلکه آفاتی نیز دارد.

وی ادامه داد: انسان عارف بدون تولی به امام، به عرفان الله نمی رسد، به مقام قرب به خدا نمی رسد اتفاقاً به مقام عرفان به خود می رسد، در واقع حتی ممکن است مقام توحید و خدا و الوهیت و امام را نیز خرج خودش کند. این آفات عرفانی است که بدون امام و سرپرستی امام طی می شود، هم در عرفان فردی و هم در عرفان اجتماعی همین الگو در اندیشه امام (ره) نیز وجود دارد که اگر جامعه ای بخواهد به سوی خدای متعال سلوک کند، نیازمند به عرفان حکومتی است و این عرفان حکومتی باطنش، یعنی سرسپردگی اجتماعی به ولایت ولی خدا، یعنی جامعه عرفان الی الله دارد و با امام و راهنمای خود همراهی می کند و اگر با امام همدل شد، یعنی درد امام درد او، گرایش های امام، گرایش های او، میل و خواسته ها همه شد میل و خواسته های امام.

عارف کسی است که نسبت به جامعه و سرنوشت مردم حساس باشد

وی خاطرنشان کرد: براساس اندیشه های بنیان گذار کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) چنین شخصی را می توانیم عارف بدانیم، جامعه ای که از میل و تعلق به امام معصوم، مستغنی باشد، چه در زمان امام عصر و چه در زمان ولی فقیه، بدون علقه به امام اصلاً آن جامعه رشد روحی در مسیر قرب به خدای متعال را تجربه نکرده، رشد روحی و قلبی این جامعه در مسیر متعال نیست. بنابراین جامعه به میزانی که با امام همراهی روحی کرد، عرفان حکومتی شکل گرفته به میزانی که با امام جامعه همراهی فکری و بینشی و اندیشه ای کرد، زمینه حکمت اجتماعی فراهم شده و به میزانی هم که به دستورات ولی جامعه، ولی فقیه و ولی الهی توجه کرد و دستورات را به همان میزان زمینه حضور و بروز فقه حکومتی در جامعه فراهم خواهد شد.

حجت الاسلام زنگنه در ادامه گفت: در کنار مباحثی که ذکر شد، باید بدانیم که عرفان در بعد اجتماعی آثار متفاوتی دارد، اینکه اثر عرفان در اندیشه حضرت امام (ره) در کجا و چگونه بروز پیدا می کند، بسیار مهم است؛ این عرفان در سلوک اجتماعی انسان ها به سمت خدا، در تحقق حکومت دینی، در تحقق انقلاب اسلامی و امتداد آن بروز و ظهور پیدا می کند، در مقابل چنین عرفانی، عرفانی وجود دارد که افراد را نسبت به جامعه و اتفاقات آن بی تفاوت می کند، لذا به هر میزانی که این عارف، عزلت نشینی و گوشه گیری و انزوا از جامعه و انسان ها را در پیش بگیرد به بهانه غرق در خدا و توحید بودن و به همان میزان دوری از اجتماع، کاملاً در مقابل دیدگاه امام است.

زنگنه در تشریح دیدگاه های دیگر گفت: البته دیدگاه سومی هم وجود دارد که امروزه در جامعه ممکن است با آن مواجه شویم و البته بسیاری سعی می کنند، از آن دفاع کنند، عرفانی که خروجی آن سازش در مقابل انزوا و سکوت است و به نوعی این دیدگاه نیز در مقابل دیدگاه حضرت امام است که انقلاب و مبارزه و درگیری با طاغوت و استکبار است. نگاه سوم در حوزه عرفان، نگاه سازش با دشمن است و ۳ گانه عرفان، یعنی اخلاق، حکمت و فقه در هر جریانی که بخواهد جامعه را پیش برد وجود دارد بنابراین در نگاهی هم که قائل به سازش با دشمن است در پیشبرد جامعه، عرفان متناسب با خود را دارد، لذا ما بعضی عرفان ها و سیر و سلوک های روحی و قلبی را داریم که خروجی آن به نفع سازش کاری با دشمن و نفوذ و ولایت و تصرف دشمن است، عرفان های انحرافی دقیقاً در نتیجه همین دیدگاه ایجاد شده، عرفان های کاذبی که در جامعه در قالب های مختلف، در صراط های غیر مستقیمی وجود دارد، انواع اقسام عرفان های سلفی، عرفان بهایی و این عرفان های مختلف انحرافی، نتیجتاً به سکوت و انزوا و ایجاد علقه و میل و گرایش روحی جامعه به سمت غرب و استبداد و استکبار با ظرافت و زرنگی منجر می شود.